



گفتگو با کارگرانی از ایران - حکمتیست

سرمدبیر: محمود قزوینی 3 شهریور 85 - 25 اوت 2006

www.hekmatist.com

بهزاد سهرابی کارگر مبارز کارخانه پردیس سنندج مورد تهدید کارفرمای کارخانه قرار گرفته است نسان نودینیان دبیر تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست کمبینی را در حمایت از او اعلام کرده است. متن این نامه به انگلیسی برای اتحادیه های کشورهای مختلف فرستاده شده است

درخواست از اتحادیه های کارگری!

بهزاد سهرابی کارگر نماینده کارگران کارخانه پردیس به پوشش حمایتی شما نیاز دارد! از بهزاد سهرابی حمایت کنید!

بهزاد سهرابی یکی از نمایندگان کارگران در کارخانه پردیس سنندج در ایران مورد تهدید و اخراج قرار گرفته است. کارگران کارخانه پردیس به قرار دادهای موقت و اجحافات کارفرما اعتراض کرده اند. در مقابل اعتراضات کارگران، کارفرما و نیروهای دولتی جمهوری اسلامی که در محل کار مستقر هستند حمله به نمایندگان کارگران را هدف قرار داده اند. بهزاد سهرابی کارگر نماینده کارخانه پردیس بعنوان نماینده معترض کارگران مورد تهدید و حمله کارفرما و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

دفاع از بهزاد سهرابی و مطالبات کارگران کارخانه پردیس برای پس زدن تهدیدات کارفرما و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی خواست کارگران کارخانه پردیس از اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی است.

دوستان! دفاع از بهزاد سهرابی امروز همبستگی بین المللی جنبش کارگری با کارگران ایران است. بهزاد سهرابی و هزاران فعال و نماینده کارگران در ایران با پوشش حمایتی و همبستگی شما در محکومیت اعمال کارفرما و مامورین امنیتی جمهوری اسلامی میتوانند مطالبات و اعتراض کارگران در ایران را نمایندگی کنند!

با ارسال نامه های حمایتی و محکوم کردن کارفرما و مامورین امنیتی کارخانه پردیس، از بهزاد سهرابی و مطالبات کارگران حمایت کنید!

نسان نودینیان

دبیر کمیته خارج از کشور حزب حکمتیست

۲۳ اوت ۲۰۰۶

مصاحبه با رحمان حسین زاده از اعضای کمیته رهبری حزب حکمتیست به مناسبت سالگرد تاسیس حزب حکمتیست.

دو سال پس از تشکیل حزب حکمتیست

در صفحه 3

مصاحبه کمونیست با خالد حاج محمدی از اعضای کمیته رهبری حزب حکمتیست در رابطه با تلاش رژیم برای ایجاد فضای جنگی و تعرضات اخیر رژیم و سازماندهی مقاومت مردم

در صفحه 2



کل این اوضاع باعث شده میدان مانور دولت ایران به درجه ای از گذشته بیشتر شود. رژیم ایران از این اوضاع به عنوان امکان و مهلتی برای کم کردن خطر طغیان مردم استفاده میکند. مانور میدهد، تلاش میکند فضا را نظامی تر کند، فضای شهرها را سعی دارد اسلامی تر کند و مردم را بترساند. جمع کردن ماهورها، تهدید فعالین کارگری و زنان و آزادخواهان، تمدید قوانین اسلامی در دادگاهها همگی جزئی از این تلاش در این شرایط مشخص است که دولت ایران برایش تقلا میکند. تعرض به معیشت کارگر و مردم نیز گوشه ای از این تلاش ارتجاعی است

این تعرضات رژیم را میتوان و باید در هم شکست

موضع رهبری حککا در رابطه با جنگ لبنان و مسئله فلسطین نباید در این حزب جایابی داشته باشد. در باره موضع حککا در جنگ لبنان محمود قزوینی

آقای حمید تقوایی در رهبری حککا که چندی پیش به تئوری فوق ناسیونالیستی جریانات عظمت طلبانه ایرانی مبنی بر اینکه اسلام سیاسی، جنبش و ایدئولوژی بورژوازی عرب است پناه برده بود. حالا در تکامل مونیستی این تئوری به این رسیده است که مسئله فلسطین بدون حل مسئله تروریسم اسلامی حل نمیشود و در حمله اسرائیل به لبنان با این شعار کاملا مواضع ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی را اتخاذ کرد. متأسفانه امروز رهبری حزب کمونیست کارگری حتی موضع میتران و اتحادیه اروپا را در رابطه با مسئله فلسطین ندارد. ببینید حمید تقوایی در این باره چه میگوید: " امروز نمیتوان بدون کوتاه کردن دست اسلام سیاسی از سر مردم فلسطین و خاورمیانه، مساله فلسطین را به نفع مردم حل کرد."

" امروز بطور مشخص راه حل مساله فلسطین از تعیین تکلیف با اسلام سیاسی در خود فلسطین میگردد."

" تا زمانیکه نیروهای مثل حزب الله و حماس از هژمونی در جنبش فلسطین برخوردارند هدف تشکیل جامعه و دولت متساوی الحقوق در فلسطین تامین نخواهد شد"

حتی اگر بپذیریم که دعوی میان مردم فلسطین و دولت اسرائیل جنگ تروریست است و مشکل اشغال فلسطین و آوارگی فلسطینیان فقط به گردن دولت اسرائیل نیست، باز هم چنین موضعی نمیتواند جایبی داشته باشد. حتی در جنگ تروریست، نه در فلسطین و لبنان، بلکه در نیویورک و کابل هم هر مبارزه واقعی با تروریسم اسلامی به حل مسئله فلسطین گره خورده است.

"اسلام سیاسی یک جنبش ارتجاعی در منطقه و اکنون در سطح جهانی است که از ظلم تاریخی اسرائیل و غرب علیه مردم عرب زبان و بطور مشخص علیه مردم فلسطین تغذیه میکند. بی کشوری مردم فلسطین و ستم دولت اسرائیل و متحدان غربی اش بر فلسطینیان یک منشاء اصلی انزجار از غرب و از آمریکا در خاورمیانه است. مهم تر از این، وجود مساله فلسطین و پشتیبانی همیشگی آمریکا و غرب از اسرائیل در برابر اعراب چه در دوران جنگ سرد و چه پس از آن، یک شکاف عظیم اقتصادی، فرهنگی و روانشناسانه میان غرب با مردم خاورمیانه ایجاد کرده است" دنیا پس از یازده سپتامبر- منصور حکمت

. حزب کمونیست کارگری ایران در باره یک مسئله اساسی خاورمیانه موضع ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی را اتخاذ کرده است. با حمله اسرائیل به لبنان، اینها زیر عنوان جنگ تروریست ها، با ماشین تبلیغاتی اسرائیل و غرب همراه شده اند. حمله اسرائیل به لبنان و مردم لبنان از نظر این دوستان سابق ما جنگ تروریستها بوده است. موضع شان در باره مسئله فلسطین و جنگجویی و نژادپرستی دولت اسرائیل به موضع دولت اسرائیل و ناسیونالیسم عظمت طلب پرو غرب ایرانی در منطقه تطابق پیدا کرده است. از نظر کمونیسم و چپ در منطقه و جهان نژادپرستی دولت اسرائیل و مسئله فلسطین منشاء وجود و رشد جریانات اسلامی است و حل مسئله فلسطین، نه تنها مردم فلسطین را از ستم تاریخی چندین ساله رها میسازد، بلکه زیر پای اسلام سیاسی را خالی میکند و به کمونیستها و آزادخواهان امکان میدهد تا آن را نابود سازند. در موضع کمونیستی هر مقابله جدی با تروریسم اسلامی به حل مسئله فلسطین گره خورده است.

اما از نظر دولت اسرائیل و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی که خود را متحد تاریخی اسرائیل در منطقه میانه مسئله تروریسم اسلامی مانع اصلی است. در نظر دولت اسرائیل و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، تروریسم اسلامی مانع اصلی روند صلح و تشکیل کشور مستقل فلسطین شناخته میشود و متأسفانه رفقای سابق ما که ناسیونالیسم پوپولیستی در آنها عمق یافته است، به همین استدلال آویزان شده اند.

هر کسی میتواند به طور ساده درک کند که حل مسئله فلسطین برای دولت اسرائیل و آمریکا یکشبه ممکن است. اگر همین فردا اسرائیل مناطق اشغالی را ترک کند و کشور مستقل فلسطین را به رسمیت بشناسد، مسئله فلسطین حل شده است. جریانات راست و کل ایدئولوژی نژادپرستانه در اسرائیل جلوی روند پیشروی لاکپشتی صلح خاورمیانه را سد کرده و جریانات افراطی درد سو را تقویت نموده اند و اسرائیل با سرکوب و کشتار مرتب مردم فلسطین و در ماه اخیر با حمله به لبنان، کاملا امکان صلح و تشکیل کشور فلسطینی را برای مدتها مسدود کرده است. بهانه دولت اسرائیل در طول سالهای اخیر مسئله تروریسم گروههای اسلامی بوده است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بکشند. مردم یک محل همدیگر را میشناسند، از همدیگر دفاع میکنند به شرطی که کسانی نقش رهبر مردم در محله را برای خود بگزارند و برای این کار زحمت بکشند. جوانی که در فلان محل دستگیر میشود از فراداش جدا از اینکه باید مقابل زندان و مراکز دولتی اعتراض کرد، کاربدستان رژیم در محله باید احساس کنند، تا آن جوان زندان است در محل امنیت ندارند و احساس امنیت نکنند. منصور اسالو وقتی زندان بود، جدا از کارگران شرکت واحد و اقداماتی که میکردند، دختر و پسر جوان محل زندگی خانواده اسالو و مردم محل میبایست زندگی را به مسئولین رژیم در محل تیره و تار میکردند. در کوچه و دم مغازه میبایست هوشان میکردند، از محل میبایست بیرونشان میکردند.

کافی است چهار مورد مردم یک محله در اعتراض به حضور نیروی انتظامی به خیابان بریزند و اعتراض کنند. اما همچنانکه گفتیم اینها را باید سازمان داد. اینها را باید جا انداخت و به سنت تبدیل کرد.

وقتی جمهوری اسلامی در خصوصی ترین مسائل مردم و اینکه شبها کدام کانال تلویزیونی را نگاه خواهند کرد، دخالت میکند و صدای کسی هم در نیاید معلوم است که در تعرض خود موفق خواهند شد. در محل کار، مدرسه، دانشگاه، بیمارستان و کلوب ورزشی و همه جا تلاش برای ایجاد سدی در مقابل تعرض رژیم ممکن است و باید ایجاد کرد. اعتراضات دانشجویان در دانشگاههای تهران به دستگیری و ایجاد فضای نظامی در دانشگاهها تجارب گرانبهائی و با ارزشی داشتند. اینها را باید تکرار کرد. جمهوری اسلامی را باید فهماند که نمیشه همکار و همکلاسی و همسایه را در سکوت و به جرم آزادیخواهی، حق طلبی و دفاع از حرمت خود بدون مشکل دستگیر کرد. باید بدانند مردم نمیکشند. دانشجویان سرشان میریزند، کارگران اعتراض میکنند و کارخانه را به تعطیلی میکشاند، مردم محل زندگی را بر عوامل آنها تیره و تار خواهند کرد. اصلا نمیشود رفت محله و کسی را دستگیر کرد و با ماشین سوخته و نیروی انتظامی سرو پا شکسته بر نگشت.

تمام این کارها ممکن است و باید سازمان داد. مردم را در ابعاد توده ای و برای درمان درد آنها و حول خواستههای آنها باید سازمان داد. این کار ماست. کار سوسیالیستی محل، کار مدافعان واقعی حقوق مردم، کار نمایندگان واقعی مردم است. باید سازمان داد و از این کانال دست مردم را در دست همدیگر گذاشت. این کار کمونیستهاست، کسانی که این نقش را برای خود میزارند، کسانی که میخواهند و دردی دارند، مسئله شان است و خودشان بخشی از همین مردم هستند. اینها کارهبران مردم است.

مبارزه کارگری و مقابله با جمهوری اسلامی شاید به بحث دیگری و فرصت دیگری محتاج است و ترجیحا اینجا به مقابله با تعرضات رژیم در سطح عمومی تر و موج دستگیری و جمع کردن ماهواره و فضای نظامی میپردازم.

این تعرضات را میتوان در هم شکست. رژیم این تعرضات را شروع کرده است که مورد عمیقترین تنفر میان مردم است. مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند و این را به هزل زبان و عمل بیان کرده و نشان داده اند. اما این تنفر تا جایی که تنفر است و در درون مردمی که سازمان پیدا نکرده و در محل کار و زندگی و محله متحد نشده اند، نمیتواند کاری در مقابل یک رژیم تا دندان مسلح پیش ببرد. مردم را باید حول مسائل واقعی خود آنها و برای تحقق آن سازمان داد. دست آنها را در دست هم گذاشت و رفت و با هم کاری کرد. این کار



خود بخود صورت نمیگیرد و کسانی باید محرک این اتحاد و مقامت و مبارزه شوند. در محله ای در تهران یا اهواز و سنندج و هر جای دیگر وقتی ۴ مامور میخواهند خانه مردم را بگردند و ماهواره کشف کنند و با خود ببرند، کافی است توسط مردم فراری داده شوند. با شکایت و بکنید و نکنید نمیشود در مقابل قلدری آنان ایستاد. کافی است کسانی محرک و عامل اتحاد مردم شوند و آنها را علیه جمع کردن ماهواره در چهار محله تهران بشوراند. کافی است مزدوران رژیم را چهار بار با چوب سنگ از محله فراری داد و مانع دستگیری همسایه و همکار خود شد. گفتیم کسانی باید نقش چسب دوقلو را در محل در مدرسه و کارخانه میان مردم ایفا کنند. زبان حال و نماینده مردم شوند. علیه دستگیری و ارباب مردم را جمع کنند و جلو صف آنان به عنوان نمایند و سخنگوی مردم ظاهر شوند. نمونه های زیادی از این تیب و مبارزه متحد مردم محلات را برای خواستههای مختلف داریم. در تهران و بسیاری شهرهای دیگر سالها شهرداری نمیتوانست به راحتی به محله رفته و آلودگیهای مردم را به بهانه نداشتن جواز و خارج محدوده بودن خراب کند. صدها بار مردم سر نیروی انتظامی که خواسته است زن و دختر را به جرم عدم رعایت حجاب دستگیر کنند ریخته و حسابی کتکشان زده اند. باید مانع ایجاد کرد و محلات را به مرکزی تبدیل کرد که نیروی انتظامی نتواند به راحتی کسی را دستگیر کند، خونه کسی را بگردد و ماهواره کسی را پایین

از این تلاش در این شرایط مشخص است که دولت ایران برایش تقلا میکند. تعرض به معیشت کارگر و مردم نیز گوشه ای از این تلاش ارتجاعی است و هم تاثیر سیاست اقتصادی است که دولت ایران در این اواخر در پیش گرفته است. مسئله افزایش بخش خصوصی سرمایه در ایران به نسبت بخش دولتی و واگذاری سهم سنگینی از بخش دولتی به بازار آزاد و تاثیرات فوری آن بر معیشت طبقه کارگر و با اتکا به بیکارسازی و نیروی کار ارزان فاکتوری جدی از این تعرض به معیشت مردم است.

کمونیست: مردم همیشه تلاش کرده اند در مقابل تعرضات رژیم مقاومت کنند و اعتراضاتی راه بیندازند. با توجه به فاکتورهایی که شما اشاره کردید امروز این مقاومت یعنی چه؟ به چه شکل باشد، حول چه خواسته هایی باید باشد، چقدر میتواند محمل قانونی داشته باشد؟

خالد حاج محمدی:

میدانید، اکنون کمتر کسی در ایران مشکلتش این است که قانون چه خواهد گفت تا برایش مهم باشد که مبارزه اش محمل قانونی داشته باشد یا نه. در جامعه ایران زمانی منکر عکس امام در ماه میشدی، دارت میزدند و در همین جامعه سالهای اخیر مردم عکس امام و قرآن را سوزاندند. با مرگ بر امام و خامنه ای و خاتمی و زنده باد آزادی به خیابان ریختند. بعد از این ماجرا قانون دیگر پیشیزی نمی ارزد و کسی به آن کمتر فکر میکند. مردم حرفشان را بر مبنای زورشان و نیروی که به میدان آورده اند میزنند. اکنون هر مبارزه و اعتراض مردم خود جمهوری اسلامی را هدف قرار میدهد. مردم روزانه به بیکاری و فضای نظامی، به دستگیری و اعدام و فقر در این جامعه اعتراض دارند و باکی هم از این ندارند که مبارزه آنان در چهار چوب قانون قرار گرفته است یا نه. مسئله این است که تنفر عمیق مردم و اعتراضات چند ساله مردم علیه جمهوری اسلامی امکانی برای بازی رژیم در این چهارچوبها باقی نگذاشته است و کسی هم به این فکر نمیکند. طبیعتا هم جمهوری اسلامی و هم مردم قواعدی را مجبورند رعایت کنند و آن تناسب قوایی است که در جدال میان مردم و جمهوری اسلامی ایجاد شده است.

اجازه بدهید که به بخش اول سوال شما برگردم و اینکه بحث مقاومت مردم و اینکه معنی آن و حول چه و چگونه. همچنانکه گفتید تا کنون مردم به کرات و در میدانهای مختلف علیه جمهوری اسلامی اعتراض کرده و در مقابل تعرضات آنها ایستاده اند. و طبیعتا تعرضات کنونی آنها هم از جانب مردم بی جواب نخواهد ماند. اما فاکتور مهم سازماندادن این تعرضات است. از اعتراض کارگر به فقر و بیکاری و دستمزد پایین تا اعتراض مردم به کمبود آب و برق و بالا رفتن سرسام آور قیمتها تا فضای نظامی و ارباب و دستگیری و زندان.

کمونیست: در هفته های گذشته شاهد موج جدیدی از تعرض رژیم به مردم بوده ایم. حمله به خانه های مردم برای جمع آوری ماهواره ها، تعرض به معیشت کارگران، احکام سنگسار و اعدام. آیا اینها نشانه دوره جدید یا دور جدیدی از تعرض رژیم به مردم است؟

خالد حاج محمدی:

تعرض به مردم و دستگیری و احکام سنگسار و زندان و اعدام امری جدید در جمهوری اسلامی نیست. در طول حاکمیت جمهوری اسلامی اینها سیاست ثابت دولت ایران بوده است. الان دیگر نه تنها مردم ایران بلکه در سراسر دنیا جمهوری اسلامی را با اینها میشناسند. میخواهم بگویم که اینها هیچوقت برای یک روز هم از سیاست رژیم خارج نشده است و نخواهد شد. در دوره هایی شدت گرفته و در دوره هایی کمتر شده است. در این چند سال اخیر به یمن اعتراض مردم، جمهوری اسلامی مجبور شده از سیاست کشتار و اسید پاشی به زنان و اعدام و دستگیری و زندان جبرا بکاهد. به این دلیل ساده که مردم قبول نمیکند و جمهوری اسلامی میترسد عواقب بدی برایش داشته باشد.

اما به قول شما هفته های اخیر شاهد موجی از تعرض نیروهای رژیم هستیم و یا به زبانی میتوان دید که سیاست تهدید و سرکوب به شیوه قابل ملاحظه ای افزایش یافته است. دلیل این ماجرا موقعیتی است که برای جمهوری اسلامی ایجاد شده است و میخواهد از این موقعیت علیه مردم و برای تمکین آنها استفاده کند.

دوره چند ماهه گذشته شاهد کشمکش دول غربی و در راس آن دولت امریکا علیه جمهوری اسلامی به بهانه هسته ای هستیم. در این مورد ما به تفصیل صحبت کرده ایم و دلایل آن را توضیح داده ایم. بدنبال شاهد حمله دولت اسرائیل به لبنان و با پشتیبانی کامل دول غربی و مشخصا دولت بوش بودیم. متأسفانه در نبود جریانی مردمی در لبنان، در غیبت نیروی مردمی و چپ، حزب الله لبنان به عنوان تنها نیروی که در مقابل اسرائیل ایستاد عملا نیرو جمع کرد و بزرگ شد و قدرتمندتر از گذشته از آب در آمد. جمهوری اسلامی به عنوان دولتی که تاریخا و در همین ماجرا هم مدافع حزب الله بوده است نیز از این فضا احساس قدرت کرده است. در اذهان مردم حزب الله برنده شد و رژیم ایران هم در این میدان احساس قدرت بیشتر و موقعیت بهتری در مقابل دولت آمریکا میکند.

کل این اوضاع باعث شده میدان مانور دولت ایران به درجه ای از گذشته بیشتر شود. رژیم ایران از این اوضاع به عنوان امکان و مهلتی برای کم کردن خطر طغیان مردم استفاده میکند. مانور میدهد، تلاش میکند فضا را نظامی تر کند، فضای شهرها را سعی دارد اسلامی تر کند و مردم را بترساند. جمع کردن ماهواره ها، تهدید فعالین کارگری و زنان و آزادخواهان، تمديد قوانين اسلامي در دادگاهها همگی جزئی

کارگری باید موضع اتخاذ شده رهبری خود را به عنوان یک موضع غیر ازادیخواهانه و عدالت طلبانه در رابطه با جنگ لبنان طرد کند. رفقای سابق ما به جای جار و جنجال و حمله به ما و کورش مدرسی بروند یک کار خیر انجام دهند. بهتر است رهبری حزب را مجبور کنند تا موضع اتخاذ شده در رابطه با جنگ لبنان را علنا پس بگیرد.

ادامه از ص 3 اقتصاد سیاسی عراق برای چاپ به من بدهند امروز و در این شرایط چاپ نمیکم و همین توضیح را به نویسنده خواهم داد. این نظر من استفاده از بازار ضد عراقی ساخته شده توسط آمریکا است و این استفاده از نظر سیاسی زبان بسیار مهمی برای کسی که میخواهد در اردوی مخالف جنگ طلبی آمریکا قرار بگیرد دارد. " دو گام به پس حزب کمونیست کارگری ایران نباید جولانگاه افکار ناسیونالیستی شود. حزب کمونیست

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!



مه‌ها بسیار ضعیف تر بود. از گارد آزادی و حضور آن در شهرها خبری نبود. مقابله سر راست و بی ابهام و قاطع با ناسیونالیسم و فدرالیسم وجود نداشت. از جسارت منع کردن مردم به نبیوستن به صف اعتراضی - ارتجاعی ظاهرا توده ای قوم پرستان آریایی و هخایی و الاهواز و آذری و کرد خبری نبود. ظاهرا همه و حتی به اصطلاح چه آن جامعه مشایعت کنندگان بی آزار اعتراضات قومی بودند که به زمستان هر چه باشد فشاری علیه جمهوری اسلامی به حساب میامد و دنباله روی کور از جنبشها و حرکات ارتجاعی باب میشد. از ترسیم سیاست متفاوت در مقابل قلدیهای امریکا به بهانه هسته ای و افشای ابعاد سناریوی سیاسی که میخواستند بر ایران تحمیل کنند، اثری نبود. از مطرح بودن یک نیروی چه که مستقیما خواستار کسب قدرت سیاسی و تعیین تکلیف جامعه به نفع کارگر و آزادیخواهی خبری نبود. اینها نه ادعاست و نه صرفا فعالیت سازمانی و درونی، بلکه مورد به مورد آن در خط مشی سیاسی آشکار و قابل مشاهده و یاد پراتیک حزبی و اجتماعی ما منعکس است. هر ناظر با انصافی چه مخالف و یا موافق آن را مشاهده میکند. در یک کلام حزب حکمتیست یک

رحمان حسین زاده:

قاعدا منظور موقعیت سیاسی و اجتماعی حزب است. برای داشتن درک درست و عینی از موقعیت حزب لازم است این حزب و کارکردش را در متن جامعه گذاشت. در بطن کشمکشهای اجتماعی و چگونگی جایجایی نیرو در جامعه گذاشت. ما همیشه گفته ایم نقطه رجوع ما جامعه است. مبنای ارزیابیهای کمونیسم ما از روندهای سیاسی، پدیده ها و احزاب سیاسی همین است. بر خلاف چه فرقه ای و سنتی به خود مشغول ارزیابیهای سازمانی و درونی نه تنها ابژکتیو نیست، گمراه کننده هم هست.

رحمان حسین زاده:

ما در این دو سال مصراحت بر این سیاست پافشاری کردیم. از بلو تاسیس حزب اعلام کردیم قصد ما ایجاد حزبی سیاسی و توده ای، و نه ایجاد فرقه ایدئولوژیک غیر اجتماعی معمول در سنت چه است. نفس آگاهی بر این موضوع و تلاش برای ترسیم سیمای سیاسی و عملی حزب سیاسی که ظرفیت متصل کردن ابعاد مختلف مبارزات اجتماعی رادیکال را داشته باشد. که ظرفیت پذیرش هزاران و میلیونها مبارز کمونیست را حول پلاتفرم سیاسی و قابل اجرا داشته باشد. که مستقیما جایجا کننده نیرو و تغییر دهنده تناسب قوا باشد که تعدد نظرات و وحدت اراده و پراتیک مشترک را تضمین کند، خود مبنای بسیار روشنی در جهت ایجاد حزب سیاسی و توده ای است. تشکیل حزب حکمتیست خود حلقه مهمی از گام برداشتن در این راستا است. در سنت معمول چه چنین تصویری از حزب جایی ندارد. در سطح نظری و سیاسی و در نقد سنت غیر اجتماعی چه گامهای مهمی برداشتیم و خود آگاهی موثری را ایجاد کردیم. به لحاظ عملی و اجتماعی و سازمانی هم گامهای امیدوار کننده را شروع کردیم. ابزارهای نیرو جمع کردن و اتحاد و شکل حزبی و اجتماعی را ترسیم کردیم. از جمله با چنین تصویری دست اندرکار ایجاد پایه های حزب در محلات، کارخانه و دانشگاه و در شهرها و محل کار و زیست و در بطن مبارزه اجتماعی جاری هستیم. ایجاد کمیته های کمونیستی به عنوان ابزار متحد و مشکل کردن اعتراض و مبارزه و دست در دست هم گذاشتن مبارزین کمونیست مبنای محکم ساختن چنین حزبی است. از

جانب دیگر تصویر روشن و شفافی از رابطه حزب و تشکلهای توده ای را ترسیم کردیم، گارد آزادی را به عنوان ابزار و اهرم اعمال قدرت مردم در مقابله با سناریوی سیاه و جمهوری اسلامی و ارتجاع مسلح مطرح کردیم. تلاش ما برای تقویت صف اعتراض رادیکال به دور از سیاست و روش سکتی چه فرقه ای خصوصیات اجتماعی جریان مارا منعکس میکند. مجموعه سیاست و کارکرد تاکتیونی تصویر بسیار مثبتی را از حزب ما به دنیای بیرون خود منتقل کرده است. سمپاتی ایجاد کرده است. قدمهای خوبی برداشتیم اما کافی نیست. هنوز با حزب سیاسی و اجتماعی مورد نظرمان فاصله داریم. به اعتقاد من پیشروی بیشتر ما در گرو دو مسئله است. اولاً هنوز سنتهای جان سخت چه فرقه ای و سنتی در میان ما هم ریشه کن نشده است و با نقد روشن و ارائه الگوهای شدنی و اجتماعی کار بر این معضل میتوان فایق آمد و دوماً برای تبدیل عملی به یک حزب وسیع توده ای که در برگزیده میلیونها کادر و عضو و سمپات باشد، تغییر در تناسب قوا به نفع ما و مردم لازم است. لازمست شرایطی فراهم شود بدون ترس از سرکوب و فشار جمهوری اسلامی هر انسان آزادیخواهی که با ما آشنا میشود و حاضر است در کنار حزب ما سهمی ایفا کند، فرصت این سهم گذاری را پیدا کند. در چنین اوضاعی حزب توده ای میتواند به طور ابژکتیو نیرو و قدرت مادی خود را به صحنه بکشاند و در تعیین تکلیف سرنوشت جامعه نقش بازی کند. ما باید آگاهانه و هدفمند ادامه راه را برای تبدیل به حزب توده ای طی کنیم.

کمونیست: دو سال از تشکیل حزب کمونیست کارگری حکمتیست گذشته است. موقعیت حزب را چگونه مبینید؟

رحمان حسین زاده:

پیدایش حزب حکمتیست تداوم پافشاری بر این حقیقت است که سیر تحولات جامعه ایران و تعیین تکلیف آن به نفع طبقه کارگر و رهایی انسان در آن جامعه نیازمند ابراز وجود قدرتمند یک حزب کمونیستی است. از زمانی که طبقه کارگر و صف وسیع انسانهای رادیکال پا به صحنه جدال اجتماعی گذاشته اند، این نیاز وجود داشته است. در انقلاب ۵۷ به وجود چنان حزبی شدت نیاز داشتیم، که متأسفانه فاقد آن بودیم. در تحولات ۲۷ ساله اخیر و در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی به وجود چنین حزبی محتاج بودیم. کمونیسم ما کمونیسم منصور حکمت آن بخش از تلاش سیاسی و اجتماعی در آن جامعه است که در یک ربع قرن اخیر خواسته به یک حزب کمونیستی قدرتمند و اجتماعی شکل دهد. حزب حکمتیست حاصل این تلاش است.

وقتی به دو سال فعالیت حزب حکمتیست نگاه میکنیم در عرصه ها و گره گاههای مهمی حضور این حزب برای دوست و دشمن قابل مشاهده است. بگذار از سر دیگری موقعیت این حزب را ترسیم کنیم. برای لحظه ای تصور کنیم اگر حزب حکمتیست نبود. به نظرم پرچم سیاسی روشنی برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی به نام منشور سرننگونی وجود نداشت. ابتکار برافراشتن پرچم آزادی و برابری در وسط دانشگاه تهران و در کانونهای اعتراضی وجود نداشت. فضای چه در ۸ مارسها و ماه

ادامه موضوع ناسیونالیستی از ص 1

..... باید این معضل تاریخی حل بشود. مردم فلسطین باید کشور مستقل خود را داشته باشند. باید آمریکا و دولتهای غربی را ناگزیر کرد از حمایت یکجانبه خود از اسرائیل دست بردارند. باید اسرائیل را وادار کنند صلح و استقلال فلسطین را بپذیرد. حل مساله فلسطین مهم ترین رکن مقابله با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی است و جزء اصلی یک دستور کار پیشرو و فعال در قبال اوضاع کنونی است [دنیای پس از یازده سپتامبر - منصور حکمت].

موضع ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی باید از حزب کمونیست کارگری ایران طرد شود و نباید جایی در آن داشته باشد. جدا از هرگونه انتقاد و ایرادی که به حککا است. نباید در این حزب چنین موضعی جایی داشته باشد. این موضع موجب تقویت جریانات ناسیونالیستی ایرانی و به زیر ضرب رفتن موضع انسانی و

آزادیخواهانه چه در منطقه میشود. این موضع نه تنها جلوی رشد جریانات اسلامی را نمیگیرد بلکه زمینه های بیشتر رشد آن را فراهم میسازد. لشکر کشی رهبری حزب کمونیست کارگری بر علیه مواضع حزب ما و مصاحبه رفیق کورش در رابطه با جنگ لبنان از همین موضعشان در رابطه با مسئله فلسطین برخاسته است. برخی ها به خاطر هواداری از این موضع و برخی دیگر برای سرپوش گذاشتن بر اختلافاتی که ممکن است این موضع در حزبشان ایجاد کرده باشد به این کمپین پیوسته اند.

در آخر یک نکته به رفقایی از حککا که نوشته اند حزب حکمتیست از حزب الله حمایت کرده است بگویم. مشکل این رفقان نمیتواند این باشد که کورش مدرسی در یک واقعه که دنیا آن را حمله اسرائیل به لبنان نامیده است، به آدمکنشی و جنایت دولت اسرائیل و حمایت آمریکا و بیفتاوتی غرب حمله کرده است و نوشته است جای تأسف دارد که در اثر ضعف کمونیستها،

مرتجع ترین و جانی ترین نیروی دنیا یعنی حزب الله میداندار شده است و پرچم مبارزه با اسرائیل را بلند کرده است و مردم دورش جمع میشوند. مشکل این رفقان فلسفه حمله آنها به ما همین موضع ناسیونالیسم پرو غربی شان است. شاید در میان این رفقان کسانی از روی فحش ضدیت با اسلام سیاسی بگویند میبایست در این جنگ حزب الله را هم محکوم کرد.

اما ما و فکر میکنم اکثر مردم دنیا که این جنگ را حمله اسرائیل به لبنان میدانیم و حزب الله را بهانه ای بیش برای این حمله نمیدانیم، نمیتوانیم با محکوم کردن حزب الله به عمه و اکره ماشن تبلیغاتی اسرائیل و آمریکا تبدیل شویم. در این مورد توجه این رفقان را به استدلال زیر از منصور حکمت در رابطه با حمله آمریکا به عراق و موضع "چیزی هم باید به صدام حسین گفت [عبدالله مهتدی جلب میکنم.

"باید برای من توضیح بدهید که حزب کمونیست چرا امروز باید یاد سخن گفتن از

واقعیاتی ریشه دار و قدیمی بیافتد. برای ایشان توضیح دادم که استفاده از [فرصت] برای گفتن حرفهایی که همیشه داشتیم درست نیست چرا که در این میان مساله اساسی تری در جهان دارد حل و فصل میشود و ما به عمه و اکره سیاست تبلیغی بورژوازی غرب و آمریکا تبدیل میشویم. استفاده از فرصتی که آمریکا فراهم کرده بهایی دارد و آن تبدیل شدن به مهره ای در یک عملکرد ارتجاعی کم سابقه در تاریخ معاصر است. ایشان گفتند که حقایق سیاسی و اجتماعی جامعه عراق باید گفته شود. در پاسخ به این حرف گفتیم که اینکار را دیروز میشد کرد، فردا پس از ختم بحران خاورمیانه هم میشود کرد، اما امروز در متن این بحران بیان حقیقت به همین محدود نمیماند و معنای سیاسی مهمی پیدا میکند. ما را در ارابه تبلیغی آمریکا که جنگی عظیم را تدارک مبیند قرار میدهد. گفتیم به همین دلیل بعنوان سردبیر کمونیست، برای مثال، حتی اگر مقاله تحقیقی و دانشگاهی ای هم راجع به

تشکیل اجلاس پشیمانی از کنگره آزادی عراق در کره جنوبی



عراق دفاع می کند و برای کمک به آن از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

است که فعالیتش بر اساس زندگی و خواست های مردم عراق است... و تمامی سعی خود را برای شناساندن و گسترش همبستگی توده های مردم و همکاری بکار خواهیم گرفت.

علاوه بر این، جمع فوق تصویب کرد که از پروژه تلویزیون کنگره آزادی

عراق وجود دارد، به این دلیل نیست که گروه های ضد جنگ دیگر در عراق موجود نیستند و با نیروهای فعال دیگری در عراق حضور ندارند، بلکه مشخصاً به این دلیل است که کنگره آزادی عراق با تمامی این گروه ها متفاوت است. همچنین باید تأکید کرد که کنگره آزادی عراق آن نیرویی

در ۱۵ اوت امسال، در گردهمایی ضد جنگ در آسیا شرقی که در بوسان، کره، برگزار شد، اجلاس پشیمانی از کنگره آزادی عراق - کره جنوبی تشکیل خود را، طی قطعنامه ای اعلام کرد. در این قطعنامه آمده است که پشیمانی ما از کنگره آزادی عراق، به این دلیل نیست که شرایط وخیمی در

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، کنگره اول حزب در 21 و 22 ماه اکتبر برگزار میشود

تلفنهای زیر و آدرس ای مایل کنگره مراجعه کنید.	2- فرانکفورت (هان) FRANKFURT (Hahn)	فرستادن مناسبی است برای آشنایی از نزدیک با حزب حکمتیست، ارگانها، رهبری و کادرهای آن در جریان عالیترین ارگان حزبی.	کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ ماه اکتبر ۲۰۰۶ بطور علنی در کشور آلمان برگزار میشود. تعداد ۱۵۰ نماینده از تشکیلاتهای مختلف حزب در کنگره شرکت خواهند کرد.
اسد نودینیان ۷۳ ۶۵ ۳۵۵ ۶۷ ۰۰۴۶	3- دوسلدورف (Weeze) Dusseldorf	همه شرکت کنندگان در کنگره از ساعت ۱۴ روز جمعه بیستم اکتبر تا ساعت ۲۴ همان روز به محل کنگره منتقل میشوند. کسانی که برای حضور در کنگره با هواپیما مسافرت میکنند لطفاً به فرودگاههای زیربایند و از آنجا به محل کنگره منتقل میشوند.	حزب از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری برای حضور در این کنگره رسماً دعوت خواهد کرد.
خالد حاج محمدی ۷۰ ۷۴۸۵ ۷۵۴ ۰۰۴۶	آدرس ای مایل congerel_hekmatist@yahoo.com	۱- کلن- بن (COLOGNE- BONN)	شرکت در این کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حضور یابند.
کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۶			

جمع هایی از کارگران در سندج اعلام کردند: سرنوشت بهزاد سهرابی سرنوشت ماست!

طبقاتی ما! کمیته سندج حکمتیست همه مراکز کارگری در سندج و شهرهای دیگر را فرامیخواند. به حمایت همه جانبه از پریس اقدام کنند. سرنوشت تک تک شما سرنوشتی است که امروز در پریس در جریان است. نمایندگان خود را انتخاب کنید و همه کارگران در کارخانه و کارگاه، یک صدا حمایت خود را

شده است. این راه حلی است که باید با توان و قدرت زیاد دنبال کرد. دیروز جمع هایی از مراکز کارگری در نساجی، شین باف، نیروگاه گازی و تعدادی از کارگران شاهر حمایت خود را از کارگران پریس و بهزاد سهرابی اعلام کردند. این کارگران اعلام کردند که سرنوشت بهزاد سهرابی سرنوشت ماست! زنده باد این اتحاد کارگری، زنده باد هم سرنوشتی

اعتصاب کارگران کارخانه پریس در سندج همچنان ادامه دارد و کارگران حاضر به قبول شرایط برده وار کارفرما و اداره کار مبنی بر قرار داد های موقت، دادن وثیقه برای خاموش ماندن و قبول اخراج بهزاد سهرابی نشده اند. خیر اعتصاب و اعتراض و تجمع کارگران به مراکز دیگر هم رسیده است و به بحث آنها تبدیل شده است. جنب و جوش فعالی دامن زده

در صورت عدم جوابگویی به خواسته هایشان صدورقت را به خارج متوقف خواهند کرد. حزب کمونیست کارگری عراق طی اطلاعیه ای بتاريخ ۲۲ اوت ۲۰۰۶ تأکید کرده است که قدر این مبارزات بر حق کارگران دوش به دوش آنها برای رسیدگی به خواسته هایشان خواهند ایستاد. این حزب همچنین از کلیه آزادیخواهان خواسته است که از مطالبات کارگران حمایت و بی توجهی دولت را در این رابطه محکوم کنند.

اعتصاب کارگری در شهر بصره عراق

کارگران صنایع نفت بصره تهدید به توقف صدور نفت میکنند

- ۱- پرداخت حقوق معوقه ماهانه
 - ۲- افزایش سهم کارگران از درآمد شرکت
 - ۳- پرداختن حقوق مناسب در مقابل اضافه کاری
 - ۴- پرداخت هزینه رفت و آمد به سر کار
- از ساعت ۸ صبح روز ۱۲ اگوست خطوط لوله نفت در منطقه شعبیه در بصره دست به اعتصاب و توقف جریان نفت زدند.
- به گزارش حزب کمونیست کارگری عراق این اعتصاب به دنبال چندین ماه کلنجار رفتن کارگران با مقامات دولتی و شرکت نفت بر سر خواسته های زیر بوقوع پیوسته است.

۵- تامین آمبولانس برای رساندن به موقع کارگران مریض یا صدمه دیده از سرکار به بیمارستان

به دنبال اعتصاب کارگران شعبیه، در ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز ۲۲ اوت، کارگران قسمت پالایش گاز رافضیه در بصره نیز به اعتصاب کارگران خطوط لوله ملحق شدند.

علاوه بر این کارگران پالایش گاز تاسیسات نفت جنوب در حوالی بصره در حال آماده کردن خود برای پیوستن به این اعتصاب هستند. نمایندگان کارگران اعلام کرده اند که

حال حاضر به دلیل اعتصاب غذا در وضعیت جسمی و روحی خطرناکی به سر میبرد، تجمع و دست به اعتراض زدند

تشکیلات کانادا حکما - حکمتیست

بعد از ظهر شنبه ۱۹ اوت در تورنتو جمعی از اعضا و کادرهای تشکیلات کانادای حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) در محل خرید ایرانیان به حمایت از احمد باطبی یکی از فعالین دانشجویی که در جریان اعتراضات دانشجویی دستگیر و تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته است و در

گزارش پیکت تشکیلات کانادا حزب کمونیست کارگری (حکمتیست) در حمایت از احمد باطبی

